

# نسخه خوانی (۲۳)

از شقِّ بم تا سوق قم  
حکایت یک تصحیف و ماجراهای بعدی

۱۰۵-۱۱۰



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

**چکیده:** نویسنده در نوشتار حاضر، بر اساس نسخه نسب نامه ای در کتابخانه مسجد اعظم، نسب امامزاده ناصرالدین در شهر قم را با امامزاده ای به همین نام در شهر بم، مورد واکاوی قرار می دهد.

**کلیدواژه:** امامزاده ناصرالدین، بم، قم، نسب نامه، نسب امامزاده



## Manuscripts (23)

### From Shaq Bam to Souk Qom / The story of a miss-spelling and subsequent adventures

Rasul Jafarian

**Abstract:** In the present article, based on a genealogical copy in the library of the A'zam Mosque, the author analyzes the lineage of Nāsir al-Dīn Imāmzādih in Qum with a shrine of the same name in Bam.

**Keyword:** Imāmzādih Nāsir al-Din, Bam, Qom, lineage, lineage of Imāmzādih

قراءات في المخطوطات (٢٣)

من شقّ بَم إلى سوقِ قُم / قصّة أحد التصحيقات وما ترتّب عليه  
رسول جعفریان

الخلاصة: يبحث الكاتب في مقاله الحالي، واستناداً على نسخة من شجرة أنساب موجودة في مكتبة المسجد الأعظم، عن الصلة بين نسب السيّد ناصر الدين المدفون في مدينة قم، وأحد السادة بنفس الاسم في مدينة بَم.

المفردات الأساسية: السيّد ناصر الدين، بَم، قم، شجرة النسب، نسب حفيد الأئمّة.

روز سه شنبه ۱۳۷۹/۱/۹ در دفتری نوشته بودم: «دیروز و امروز، عصر نیم ساعت به غروب خدمت آیت الله شبیری زنجانی رسیدم. هر روز در همین ساعت جمعی از شاگردان و علاقمندان به دفتر ایشان که منزل سابق آقای رضا صدر (رحمه الله علیه) است می آیند و ایشان به حسب وضع و سؤالات مسائلی را مطرح می کند. امروز از امامزاده ناصرالدین که روبروی مسجد امام حسن عسکری (ع) است سؤال کردم. ایشان فرمودند: آقا نجفی بر اساس آنچه در عمده الطالب بوده، نوشته اند که ایشان از نسل بطحانی است، چون در عمده، از یک ناصرالدین، از نسل بطحانی یاد شده که مدفون بسوق قم است. ایشان افزود: در نسخه مسجد اعظم «مدفون شق بم» دارد. از قضا در بم هم امامزاده ناصرالدین هست. صورت نسب نامه ای که اکنون در امامزاده هست بر اثر همین اشتباه است و اساسی ندارد».

در طول سالیان هرگاه استاد حسین مدرسی به ایران می آمد، گفتگوهایی از هرباب در مسائل مختلف بود. یک بار فرمودند (نقل به مضمون) که من تحقیق را از این نمونه، یعنی «شق بم» و «سوق قم» که آقا موسی فرمودند یاد گرفتم.

طبعاً مراجعه به تربت پاکان دوست دانشمند جناب مدرسی کردم. ایشان در مجلد دوم ذیل مدرسه سورانیک نوشته اند: در نسخه چاپی کتاب عمده الطالب از آثار اوایل قرن نهم از مدرسه سورانیک در کنار باروی قم که ناصرالدین علی بطحانی از نوادگان امام مجتبی در آن مدفون بوده است یاد می شود. صاحب انوار المشعشعین با استناد به این نوشته حدسیات و اجتهاداتی در انساب برخی از امام زادگان و مزارات قم دارد که پذیرفته شده است. پس از او برخی دیگر، چه ذوق آزمایی ها و تاریخ بافی ها که بر اساس این اجتهاد نکردند. حضرت استاد علامه آقای شبیری زنجانی از علمای بزرگ قم که نسخه عمده الطالب خود را با چند نسخه مخطوط مقابله و تصحیح نموده اند، تذکر فرمودند که در این اقدام واضح نسخ موجود: نسخه ش ۳۵۲۴ دفتر کتابخانه مسجد اعظم قم (مورخ آغاز رجب ۸۶۲ به خط امام بن جلال کرمانی - برگ ۱۸ پ سطر ۱۱) به جای «بشق قم»، «بشق بم» ذکر شده که با توجه به کرمانی بودن مؤلف آن، به دست دادن چنین نشانی دقیق در مورد «بم» نه «قم» به اعتبار عقلانی نیز نزدیک تر است. (تربت پاکان: ۲۰/۲)

بنده سال ها پیش تصویر این نسخه را از مسجد اعظم گرفته بودم. فکر می کنم درخواست دوست عزیز جناب موری موتوبود. به آن مراجعه کردم و بر اساس آدرسی که جناب مدرسی داده بودند، مطلب را بدین شرح یافتم:

و وجدت من نسب الیه ناصرالدین بن علی بن المهدی بن محمد بن الحسین بن زید بن محمد بن احمد بن جعفر بن محمد البطحانی المدفون بشق بم فی المدرسة الواقعة بمحلة سورانیک. (نسخه شماره ۳۵۲۴، برگ ۱۸، پ، سطر ۱۱)

در نسخه چاپی عمده الطالب این تعبیر به عنوان «سوق قم» آمده است. (عمده الطالب، چاپ انصاریان قم، ۱۴۱۷ق، ص ۶۸) در منتهی الامال (۵۸۳/۱) به نقل از عمده الطالب آمده است: و

طاهر ابیطبرستان و عیسی بالرزی و کوجک بآمد قال شیخنا ابو الحسن العمری و ما نعلم لعبد الرحمن  
 محمد البطحانی الی یومنا هذا ولما واذ کان كذلك فی زمانه فی هذا الزمان اولی ووجدت من نسبه  
 ناصر الدین علی بن المهدی بن محمد بن المسین بن زید بن محمد بن احمد بن جعفر بن محمد البطحانی  
 المدفون بشق قم فی المدرسة الواقعة بمحلة سوراسک و محمد بن احمد بن جعفر البطحانی لم یذکره  
 من التابین انما ذکره واما ذکرک و آت علی بن البطحانی فكان له خمسة بنین القسم قال ابو  
 العمری دبیج بالكوفة و قال غیره اولد بطبرستان و الحسن الاطروش و علی اولد بجزان و محمد اولد بطبرستان

از کسانی که یافتم منسوب به بطحانی، ناصرالدین علی بن مهدی بن محمد بن حسین بن زید بن محمد بن احمد بن جعفر بن عبد الرحمن بن محمد بطحانی مدفون به سوق قم در مدرسه واقعه به محله سورانیک. جعفر بن محمد اعرجی در «مناهل الضرب فی انساب العرب» (قم، مرعشی، ۱۴۱۹، ص ۹۹) آورده است: «... المدفون بسوق قم فی المدرسة الواقعة بمحلة سورانیک».

ظاهراً تصور شده است که امامزاده ناصرالدین باید در نزدیکی سوق قم باشد. سوق قم، همین که اکنون در چهارراه بازار است و پیش از کشیدن این جاده در دوره رضاشاه، به طرف مسجد امام ادامه داشته است. در اینجا امامزاده‌ای بی نام و نشان بوده و این امامزاده را همان دانسته‌اند که در «سوق قم» است. به همین دلیل کتیبه‌ای برای آن نوشته و نام امامزاده ناصرالدین را بر آن گذاشته‌اند.





در حال حاضر کتیبه ای بر امامزاده که به نام ناصرالدین خوانده شده و کنار بازار قم یا در واقع سر چهارراه بازار است، نصب شده است. این کتیبه ظاهراً به امر آیت الله مرعشی بوده و بر اساس همان تطبیق صورت گرفته است. در کتیبه مزبور آمده است: بازسازی توسط اداره اوقاف قم، تاریخ بازسازی ۱۴۱۱ ق ۱۳۶۹ ش.

و اما «شوق بم» نامش در بسیاری از منابع کهن تاریخی آمده است. در تجارب الامم (۴۲/۷) آمده است: «و مضی ابن بختیار الی جیرفت و رتب العمال و جبی الأموال و أنفذ الی شق بم من استغوی له الجند الذین فیها و دعاهم الی طاعته و ملک اکثر کرمان و استولی علیها».

در عقد العلی للموقف الاعلی اثر افضل الدین کرمانی (م ۶۵۲) آمده است: «امیر مجاهد الدین رحمه الله در آیین غیب بیشش سال از پیش نقش و صورت این روز دیده بود، پس روز بیست و دوم ماه رمضان سنه

احدی و ثمانین روز سه شنبه ملک بدیه آریز از حدود کوبنان نزول فرمود و از آنجا براور و خبیص تا شق بم و نماشیر برفت. (عقد العلی، تهران، ۱۳۵۶، ص ۷۶ و بنگرید: صص ۶۵، ۱۰۰) به همین ترتیب در تاریخ افضل یا بدایع الازمان فی وقایع کرمان. (ص ۲۱، ۳۳، ۹۲) تاریخ شاهی (صص ۲۴۸، ۲۶۸، ۳۱۲) و منابع دیگر هم آمده است. این نام همچنان در زبده التواریخ حافظ ابرو، (۲/۱۱۰۸) مطلع سعدین، (ج ۱، دفتر اول، ص ۳۶۶، ج ۱، دفتر دوم، ص ۱۱۳۹) و بسیاری از منابع متأخرتر از تاریخ کرمان آمده است.

در تعلیقات تاریخ شاهی (ص ۳۱۲) آمده است: شوق: کرمان در تاریخ قدیم به دوشق شرقی و غربی (یا گرمسیر و سردسیر، سرود و جروم) تقسیم شده بوده است. شوق بم، مرکز ناحیه گرمسیر آن به شما می رود. در تعلیقات سمط العلی (ص ۱۱۷) گفته شده است که شوق بم به معنای جانب و ناحیه ای است از کوهستان.

در صحیفة الارشاد (ص ۲۰۸) آمده است: «بدان که دار الامان کرمان، ارض وسیع و مملکت [فسیح] در ایام سلف مشتمل بر هفت بلاد عظیم بوده و بانی آن شاه اردشیر بن ساسان بن بابکان بن بهرام بن ساسان بن بهمن بن اسفندیار بن کشتاسف و اول شهر که از کرمان آباد بود کجاوان هفتواد که الحال به شوق بم مشهور است بوده [است]».

و اما امامزاده ناصرالدین که در بم است، اشارتی به او در مجموعه ناصری، بخش تاریخچه شهر بم شده است. این متن را بنده از وبسایت بساتین (کد مطلب ۸۶۸) گرفتم:

«دروازه ی نماشیر» مشرف است به مدفن حضرات رفیع الدرجات من جمله حضرت قدوة العارفين و

کعبه الواصلین «امامزاده ناصرالدین» که از نژاد و احفاد حضرت سیدالسادین. علیه التحیه و التمکین است که آن بزرگوار وقتی از اوقات که تشریف فرمای ساحت بم گردیدند و منتظر رفیق و همراهی بودند که عزیمت مدینه‌ی شریفه‌ی معظمه فرمایند، شبی در خواب جمال با کمال حضرت ختم رسل و هادی کل مشاهده آن حضرت شده، بعد از استفسار احوال به زبان وحی ترجمان گذرانید که: ای فرزند! این سرزمین حواله به توست و باید متأهل شوی و شخصی بخصوص را به آن [معرفی] نمودند».

و اما محله سورانیک که در عمده الطالب آمده، تا کنون در جای دیگری نیافتیم. اینکه این کلمه درست ضبط شده یا تصحیف کلمه دیگری است، آگاه نیستیم. باید در این باره در تواریخ محلی بیشتر تحقیق کرد.

از استاد مدرسی خواستم اگر توضیحی افزون بر آنچه در تربت پاکان هست دارند، برایم بنویسند. این مرقومه را فرستادند که برخی از منابع آن، بالا هم آمده است:

«دوست دانشمند ارجمندم از خبر فوت احسان اشراقی غمگین شدم. از دوستان قدیم بود که گویا آخرین بار همان سال ۱۳۵۸ دیدار داشتیم، اما پیش از آن در سال‌هایی که رئیس گروه تاریخ بود، به خاطر دوستان و علایق مشترک با او مصاحبت داشتم. در مورد شق بم بعید می‌دانم مطلبی اضافه بر آنچه خود حضرت عالی در منابع فارسی تاریخ کرمان دیده‌اید داشته باشم. آنچه را که پس از چاپ تربت پاکان برخورد کردم، در هامش جلد دوم، همان جا که به تذکر مفید و صحیح مولای معظم اشاره شد، یادداشت کرده‌ام که به همان شکل مشوشی که هست نقل می‌کنم: «سمط العلی: ۱۳ چاپ عباس اقبال دارد که بناکننده شهر کرمان، بهمن فرزند اسفندیار بود به وقت آن از سیستان مدوجه شق بم شد. اقبال در تعلیقات کتاب: ۱۱۷ می‌گوید: شق بم به کسر شین مشدده به معنی جانب و ناحیه‌ای است از کوهستان. زرکلی در اعلام ذیل سرگذشت محمد بن ابراهیم طلیطلی معروف به ابن شق اللیل درگذشته ۴۵۵ دارد که شق الشیء نصفه که البته سخنی است درست. در عقد العلی: ۶۶ چاپ عامری می‌گوید: کرمان را بردو شق نهاده‌اند: شق شرقی بم است و شق غربی سیرجان. پس معلوم می‌شود در این کتاب هر جا از شق بم گفتگو به میان می‌آید، منظور بخش کوهستانی شرق کرمان است (ص ۱۳ و ۴۸ و ۹۵ و لاحظ: ۸ و ۱۹ و ۴۳؛ نیز سمط العلی: ۹۵؛ نیز بدایع الزمان چاپ بیانی: ۲۱ و لاحظ: ۴۷؛ نیز شق سیرجان در عقد العلی: ۶۶ و لاحظ: ۷۴). پاینده و سرفراز باشید. ارادتمند: حسین مدرسی»

در یک ایمیل دیگر هم مرقوم فرمودند: «الآن داشتم دنبال مطلبی در البیان و التبیین جاحظ می‌گشتم. نظرم بر ارجاعی افتاد در صفحه ۹۶-۹۷ این نسخه که چاپ دارالجیل بیروت است ذیل عبدالقیس که از شق عمان و شق بحرین یاد می‌کند».